

نقدی بر کتاب تاریخ عالم آرای امینی

مصطفی موسوی*

تاریخ عالم آرای امینی «شرح حکمرانی سلاطین آق قویونلو و ظهور صفویان» / تألیف فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، به تصحیح محمداکبر عشیق... تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲.

چکیده

تاریخ عالم آرای امینی تألیف خنجی، دربردارنده تاریخ مفصل سلطان یعقوب آق قویونلو و تاریخ مجمل دوره فرمانروایی اوزون حسن و سلطان خلیل است. خنجی در این کتاب، مدعی حق گوئی و پرهیز از گزارش نادرست است. تاریخ عالم آرای امینی به تصحیح محمداکبر عشیق (تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲) چاپ شده و با وجود دقت مصحح، ایراداتی به آن وارد است: عدم دقت در کاربرد علائم سجاوندی، ضبط نادرست برخی از اسامی و واژه‌های ترکی و مغولی، اغلاط چاپی و عدم تنظیم فهرست دقیق لغات مغولی و ترکی.

کلید واژه: تاریخ عالم آرای امینی، روزبهان خنجی، آق قویونلو، سلطان یعقوب آق قویونلو، واژه‌های مغولی و ترکی.

تاریخ عالم آرای امینی نوشته فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، از منابع مهم تاریخ ایران و تنها منبع دست اول و مفصل تاریخ فرمانروایی یعقوب آق قویونلو است که تاریخ مجمل دوره پادشاهی اوزون حسن (که مفصل آن در کتاب دیار بکره، نوشته ابوبکر تهرانی منعکس است) و پادشاهی کوتاه مدت سلطان خلیل پسر بزرگ او را نیز

*. محقق و مصحح متون تاریخی.

در بردارد.

مؤلف در جای خویش، برخاستن و کوشش دو تن از سران صفوی به هوای کشورگشایی و پادشاهی و رابطه آنان با ترکمنان اناتولی و قتل آن دو به دست پادشاهان آق قویونلو را با نظرگاهی دشمنانه گزارش کرده است. این گزارش نیز از اهمیت ویژه برخوردار است.

خنجی که خود از علمای سنی مذهب است، در تألیف خویش مدعی حق گویی و پرهیز از گزارش امور غیر اخلاقی است، اما او در ستایش ترکمنان آق قویونلو غلو بسیار کرده و آنان را به اغوزخان اسطوره‌ای منسوب داشته و یگانه شایستگان پادشاهی و خلافت اسلامی روزگار خود دانسته و صفویان را به سبب اختلاف مذهب و درگیریشان با پادشاهان آق قویونلو و گماردگان و تابعان آنان به سختی نکوهیده و شیخ حیدر صفوی را نادان و کم‌خرد و لاابالی شناسانده است.

نثر عالم آرای امینی مصنوع است، بررغم انکار مؤلف، چنین می‌نماید که از جهانگشای عطا ملک جوینی تقلید کرده است و در عین حال، در استواری و فخامت، با آن فاصله بسیار دارد و زیباترین بخش نثر کتاب را می‌توان در بازگویی چند داستان یافت که مؤلف مدعی است آنها را در نصیحت قاضی صفی‌الدین عیسی که وزیر سلطان یعقوب بود بیان داشته است. (ص ۳۷۷).

تصحیح کتاب تاریخ عالم آرای امینی و تهیه متن انتقادی آن به همت استاد محمداکبر عشیق انجام یافته و مصحح محترم، همه اصول متداول تهیه متن انتقادی را در آن مرعی داشته است: مقدمه‌ای به نسبت مفصل در هفتاد و اند صفحه در معرفی متن و مؤلف کتاب، فضل‌الله بن روزبهان خنجی، فراهم آورده و نسخه‌های مورد استفاده خود را شناسانده و ضبط نسخ ثانوی را در زیر صفحات کتاب ارائه نموده و فهرست چندگانه‌ای برپایان کتاب افزوده است.

به راستی و انصاف باید اذعان داشت، متن تاریخ عالم آرای امینی یکی از کم‌اشتباه‌ترین متون فراهم آمده در ده‌ساله اخیر است و به سبب این آراستگی باید از مصحح محترم و مدیر مرکز نشر میراث مکتوب سپاسگزار بود.

در سالهای اخیر، چاپ دیگری از همین کتاب منتشر گردیده که از قضا آقای اکبر عشیق به نقد آن همت گماشته است و به سبب فراوانی اغلاط، ناقد محترم جز یک مورد در ص ۹۱ متن برای باقی ایرادات آن تنها تا صفحه ۴۵ را از نظر گذرانیده است.

با همه دقت استاد عشیق، اشتباهاتی به متن کتاب عالم آرای امینی راه یافته که بیشتر آنها غلط مطبعی و برخی دیگر حاصل اشتباه در کاربرد علائم سجاوندی است. بنده در زیر به مواردی که در مطالعه متن کتاب به آنها برخورد کرده‌ام، می‌پردازم:

۱. ص ۳۴: حصن کیف،
نام درست این قلعه «حصن کیفا» است.
۲. ص ۳۹ و ۱۱۰: سنجق
این واژه ترکی است و چند معنا دارد و از جمله به معنای علم و درفش است که در متن همین معنی منظور است و تلفظ درست آن در زبان ترکی سَنجَاق - سَنجَق (= Sancaq) است. (دوفر ۳، ص ۲۶۸)
۳. ص ۴۱: گویی دست قضا بر بیستون چرخ، اورنگ صورت او را نگاشته....
به گمان بنده اینگونه درست است: گویی دست قضا بر بیستون چرخ اورنگ، صورت او را نگاشته....
زیرا صورت نمی‌تواند «اورنگ» داشته باشد.
۴. ص ۵۸: تا به کوششهای مردانه آن یگانه حق در مرکز خود قرار یافت...
ضبط درست اینگونه است: تا به کوششهای مردانه آن یگانه، حق در مرکز خود قرار یافت.
۵. ص ۵۹: بازی برانگیز تر می‌کرد...
ص ۶۱: در معرکه بلاغت برانگیز...
به گمان بنده در هر دو مورد «برانگیز» درست است و مؤلف «انگیز» را در جای دیگر نیز به تنهایی به کار برده است (ص ۶۸).
۶. ص ۵۹: شیشه وجود کلابی را در هم شکست.
درست: گلابی است که نام کسی است و در جای دیگر نام او یا دیگری (گلابی بیک) آمده است (ص ۲۱۳).
۷. همانجا: در این صفحه و به فراوانی در همه جای کتاب (جزیک مورد در ص ۱۵۱) بیک: ک (= K) ضبط شده.
شکل درست این لقب یا عنوان ترکی که از زبان چینی گرفته شده است، بگ (= beg) است باگ (= G).
۸. ص ۶۰: خوارزمشاه در یک سفر با ایشان سه محاربه نمود، اول را انهام دوانید و دوم

را در دام اسر و قید نشانید...

به گمان بنده: به انهزام یا انهزاماً درست است.

۹. ص ۱۳۵: ایل آلدی بیک چینی...

به گمان بنده باید چینی باشد و چینی نام یکی از قبیله‌های اغوز است.

۱۰. ص ۱۳۶: کنکاش

این واژه ترکی است به معنای انجمن و جلسه و اصل آن در زبان ترکی کینگج

(Kengäc=) است و حرف سوم آن گ (=g) است، نه ک (=k).

۱۱. ص ۱۳۷: یا لگوز آغاچ

البته اشتباه یا از مؤلف است یا نسخه نویس، به هر حال یالقوز درست است که به معنای

تنهاست و یالقوز آغاچ یعنی تک درخت.

۱۲. ص ۱۳۸: بعد از چند مرحله وفا بکاؤل از صوب تبریز رسید...

بکاؤل (bökövöl) به ضم ب درست و آن لغتی است به زبان ترکی به معنای خوانسالار و

مهماندار، و معادل است با واژه مغولی چربی (= Čerbi)

۱۳. همانجا: جهت عبور طریق آیت یولی تعیین یافت و چون آن راه صعب است...

به جای آیت یولی، آیت یولی (= it_yoli) به معنای گذرگاه سگ درست است. ایرانیان

و ترکان و شاید دیگر ملت‌ها و قومها، هرکار سخت را به سگ نسبت می‌کنند.

۱۴. ص ۱۴۱: از راه تکه تکه تاش...

به گمان بنده، یکه تاش درست است و یکه (= yekä) لغت مغولی دخیل در ترکی و

فارسی است به معنای بزرگ، و تاش - داش (daš - Taš) در زبان ترکی به معنای

سنگ است.

۱۵. ص ۱۴۳: تکامیشی

بی‌گمان واژه ترکی یا مغولی + ترکی است و واژه‌ای بدینگونه در هیچ یک از آن دو زبان

که به مفهوم عبارت متن نزدیک باشد، وجود ندارد. این واژه باید تصحیف

تگش‌میشی (Tegišmiši) ترکی به معنای پیشکش کردن و یا تک‌جامیشی

(Nökcamiši) مغولی + ترکی به معنای همدلی و سازگاری و دوستی باشد (جامع

التواریخ، ج ۳، صص ۲۳۳۹ - ۲۴۱۵).

۱۶. همانجا: گذاشتن اُغُرُق در سهند و توجّه....

ضبط درست اغرق، اُغُرُق (= aqrq) است به فتح الف که آن واژه‌ای ترکی است به

معنای: باروبنه و انتقال، و أُغْرَقَ بِأَضْمِ الْفِ بِه معنای مال دزدی است.
 ۱۷. ص ۲۸۳: به جای ولی آغا، ولی آقا درست است، آغا در زبان مغولی لقب زنان است.

۱۸. ص ۳۴۷: جميع سیورغالات حَشْوِی و خرجی... موقوف باشد...
 خرجی به ظاهر غلط چایی است و درست آن خرجی یا خراجی است، اما به همین شکل دوبار نیز در ص ۳۴۸ تکرار شده است. شاید واژه‌ای است که بنده نمی‌شناسم.
 ۱۹. ص ۳۷۴: درکارگاه جهان عدلی عظیم قایم است و در طبیعت مجازات و مکافاتی تمام. دایم نبات که از زمین عرق غذا می‌کشد.
 به گمان بنده، عبارت بدینگونه درست است... و در طبیعت مجازات و مکافاتی تمام دایم. نبات که از...
 ۲۰. ص ۳۹۱: به جای انجو، انچو یا اینچو (= incü) درست است که به معنای املاک سلطنتی است معادل خاصّه کهن و خالصه متأخر.

۲۱. ص ۴۰۵: به جای گردوچین (که نام دختر ایش خاتون دختر اتابک سعد فارس از شوهرش منگکه تیمور پسر هلاکو است)، کردوچین - کوردوچین درست و - جین پسوند نسبت مغولی است همانند - جین در تموجین و بُلْغَاجین و... (جامع التواریخ، ج ۲، صص ۹۳۷ - ۹۶۳).

۲۲. غلط‌های چایی:

شکل درست واژه	ضبط کتاب	
حق‌گذاری	حق‌گذاری	ص ۵۷
به واسطهٔ فضیلت، یا فضیلتی	به واسطهٔ فضیلت	ص ۶۰
ایام اللّه. «ه» اللّه بدون ب آغاز مکسور نیست	ایام اللّه	ص ۷۷
در... چنین شتایی	دروسط چنین شتایی	ص ۱۱۳
... متقارب	از مشرق سعادت متقارت	ص ۱۳۷
کمر و شمشیر زرین	کمر شمشیر زرین	ص ۱۴۳
بِضَع	بِضَع	ص ۱۵۷
[کمر]	[کمری]	ص ۱۶۶
یاغیان مکار	باغیان مکار	ص ۱۷۶

چنگیز	چنگیر	ص ۱۸۹
با بعضی از امران نهانی...	با بعضی از امر نهانی...	ص ۱۹۸
طاقت	طاقت	ص ۲۰۲
جماعتی از ازناوران	جماعتی از ناوران	ص ۲۱۶
شغف و غرام	شغف و غرام	ص ۲۲۳
تبریز	تبریر	ص ۲۵۴
... غزای چرکس	به توریه غزا چرکس	ص ۲۶۱-۲۶۲
امرای سرحد خراسان	امری سرحد خراسان	ص ۳۰۰
رفعت و علو	رفعت و غلو	ص ۳۵۳
بیجن	بیجن	ص ۳۶۱

باید بیفزاییم که مصحح محترم در مقدمه (ص پنجاه و نه) وعده فرموده است که در پایان کتاب، فهرست و معانی دقیق لغات ترکی و مغولی را عرضه خواهد کرد، اما در آن فهرست متأسفانه بسیاری از واژگان را از قلم انداخته و معنای بسیاری از واژه‌های آمده در فهرست را به دست نداده و آنچه که ارائه فرموده است نیز چندان دقیق نیست.

